

تحلیل تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن در تفسیر فراء*

حامد شریفی نسب** و علی اکبر بابایی***

چکیده

بحث از قرائات قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی است که افزون بر تأثیر در صحت قرائت قرآن، در فهم و تفسیر آیات قرآن کریم و استنباط مطالب فقهی و کلامی نیز تأثیر به سزائی دارد. به رغم گزارش های متعدد تاریخی مبنی بر عدم وجود قرائت واحد در سراسر بلاد اسلامی در طول تاریخ، برخی تلاش کرده اند با استناد به تعابیری همچون تعبیر «قراءة العامة» در منابع سده های نخست هجری، به ویژه در کتاب معانی القرآن فراء، وجود یک قرائت رایج میان عموم مردم در طول تاریخ را اثبات کنند و قرائت امروزی (روایت حفص از قرائت عاصم) را مطابق همان قرائت مطرح کنند. این در حالی است که این دو ادعا، نتیجه نقل نادرست عبارات و همچنین نتیجه غفلت از عبارات و شواهد متعدد دیگری بوده که عکس این ادعا را به اثبات می رساند. بررسی تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن در کتاب معانی القرآن فراء نشان می دهد که این گونه تعابیر در موارد متعدد و فراوانی با روایت حفص از عاصم سازگاری ندارند. همچنین بررسی کامل و جامع موارد استعمال تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن در کتاب فراء، بیانگر این حقیقت می باشد که مقصود از این گونه تعابیر صرفاً گزارشی از قرائت اکثر قاریان است و بر این اساس نمی توان تعابیری چون «قراءة العامة» را شاهد وجود یک قرائت واحد عمومی در قرون نخست هجری و دلیل صحت انحصاری قرائت کنونی قلمداد نمود.

واژگان کلیدی: قرآن، اختلاف قرائت، قرائت عامه، قرائة الناس، معانی القرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۴/۲۹.

** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) h.sharifinasab@ut.ac.ir

*** استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ababayi@rihu.ac.ir

مقدمه

در عصر نزول قرآن کریم، آیات الهی از جانب خداوند متعال به واسطه جبرئیل امین بر نبی اکرم ﷺ قرائت می‌شد و آن حضرت نیز آیات را بر امت تلاوت و قرائت می‌فرمود، اما پس از رحلت رسول خدا بر اثر عواملی، اختلاف در قرائت برخی آیات پدید آمد. این اختلاف رفته رفته افزایش یافت تا آنجا که در قرن سوم و چهارم بسیاری از ائمه قرائت برای جلوگیری از گسترده‌تر شدن این اختلافات و همچنین محدود ساختن قرائات، به نگارش کتاب پرداختند که این امر به تالیف کتب متعددی در گزینش قاریان مختلف منتهی شد (ابن جزری، النشر، بی‌تا: ۳۴/۱) تا آنکه ابن مجاهد (۳۲۴ق) با نگارش کتاب «السبعة» و برگزیدن دو روایت مختلف از قرائت هفت تن از قاریان به نام ابن عامر، ابن کثیر، عاصم، ابو عمرو، حمزه، نافع و کسائی، قرائات قرآن را محدود ساخت (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۱۸۹-۱۹۰). پس از ابن مجاهد نیز انواع تألیفات در گزینش قاریان و افزایش یا کاهش آنان نگارش یافت (ابن جزری، النشر، بی‌تا: ۳۴/۱) چنان که احمد بن حسین بن مهران (۳۸۱ق) با تألیف چند کتاب، سه قاری دیگر را به قاریان سبعة اضافه نمود (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۲۲۵). در نهایت، هفت قرائت برگزیده ابن مجاهد و سه قرائت افزوده شده دیگر، دو اصطلاح «القرائات السبع» و «القرائات العشر» را به وجود آورد.

بسیاری از دانشمندان اهل سنت قرائات سبعة و عشره را متواتر و همه آنها را صحیح و منتسب به پیامبر دانسته‌اند. یکی از مستندات دیدگاه آنان، برخی روایات موجود در جوامع حدیثی آنان با مضمون نزول قرآن بر هفت حرف است با این پندار که معنای نزول قرآن بر هفت حرف، نزول قرآن به هفت قرائت می‌باشد (ر.ک: بخاری، الصحيح، ۱۴۰۷: ۱۴۰۹/۳؛ مسلم، الصحيح، بی‌تا: ۹۹-۱۰۴/۶). اما از منظر روایات شیعه، قرائت نازل شده توسط جبرئیل بر پیامبر اکرم واحد بوده و تعدد و اختلاف قرائات منتسب به قاریان می‌باشد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/۲: ۶۳۰).

گزارش‌های صریح و متعدد تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه قرائتی واحد بین مسلمانان رواج نداشت، بلکه قرائت هر یک از بلاد مهم اسلامی متفاوت از سایر بلاد بود و گاه در طول زمان دچار تغییر می‌شد؛ برای نمونه، ابن مجاهد پس از بیان تمایز قرائت هر یک از شهرهای مهم اسلامی همچون مکه، مدینه، بصره، کوفه و شام و همچنین بیان قرائت مخصوص هر

شهر، تصریح می‌کند که عموم مردم و توده‌های هر شهر، قرآن را مطابق آن قرائت می‌کردند. وی می‌نویسد: «این‌ها هفت نفر از اهل حجاز، عراق و شام بودند که در قرائت جانشین تابعین شدند و عوام از هر شهر از این شهرهایی که نام برده شد و شهرهای نزدیک به آنها، بر قرائت آنان متفق‌اند مگر اینکه یک شخص قرائت شاذی را برای خود برگزیده باشد و مطابق آن قرائت کند اما این قرائت داخل در قرائت عوام نیست» (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۸۷).

بر این اساس در طول تاریخ هیچ‌گاه قرائت واحدی به عنوان یگانه قرائت صحیح قرآنی رواج نداشت، بلکه علما برای استخراج حکم فقهی یا تفسیر آیات، قرائات مختلف را بررسی می‌کردند و چنان که شیخ طوسی و مرحوم طبرسی تصریح کرده‌اند، انتخاب و توجه صرف به یک قرائت، از منظر علما امری ناپسند قلمداد می‌شد (طوسی، التبیان، بی تا: ۷/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۶: ۱۰/۱)؛ بنابراین، در عصر حاضر نیز شایسته نیست با تصور رواج قرائت کنونی در طول تاریخ، سایر قرائات نادیده گرفته شوند و در تفسیر قرآن یا استخراج احکام فقهی تنها به همان قرائت توجه شود، بلکه ضرورت دارد در کنار قرائت کنونی، سایر قرائات نیز مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

به هر حال، به رغم گزارش‌های صریح تاریخی مبنی بر تعدد قرائات در بلاد مختلف (ر.ک: شریفی نسب و دیگران، ارزیابی ادله دیدگاه رواج تاریخی قرائت عاصم به روایت حفص، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۹)، بعضی تلاش کرده‌اند با استناد به برخی شواهد، وجود یک قرائت عمومی و متمایز از سایر قرائات را در طول تاریخ مدعی شده و قرائت امروزی - یعنی قرائت حفص از عاصم - را مطابق همان قرائت معرفی کنند. آنان برای این ادعا به وجود تعبیری همچون «قراءة العامة»، «قراءة الناس» و دیگر تعابیر مشابه در کتب سده‌های نخست هجری استناد کرده و آن را به قرائت عمومی و متمایز میان عموم مردم تفسیر کرده‌اند. از میان آثار سده‌های نخست هجری این‌گونه تعابیر در هیچ کتابی به اندازه کتاب «معانی القرآن فراء» به کار نرفته، بلکه استفاده از این‌گونه تعابیر در سایر آثار، بسیار اندک است؛ بنابراین، بررسی و بازخوانی این‌گونه تعابیر در کتاب فراء از اهمیت فراوانی برخوردار است تا بدین طریق، میزان اعتبار ادعای مطرح شده روشن شود.

ناگفته نماند که اکثر آیات قرآن کریم فاقد اختلاف قرائت هستند و مسئله اختلاف قرائت تنها در قرائت بخشی از کلمات آیات قرآن کریم که حدود ۲/۵٪ کلمات قرآن دانسته شده، مطرح می‌باشد (پارچه‌باف دولتی و دیگران، تحلیل و بررسی تقسیم‌بندی‌های ارائه شده در

قرائت قرآن کریم، ۱۳۹۱: ۳۵). از طرف دیگر، در اکثر این گونه اختلاف قرائات، تفاوت معنای قرائات مختلف، بسیار جزئی بوده و مقصود و پیام آیه را دچار دگرگونی نمی‌کند؛ مانند قرائت «يَكُنْ - تَكُنْ»، «يُنْزَلْ - يُنْزِلْ»، «يَعْقِلُونَ - تَعْقِلُونَ» و «أَعْلَمُ - إَعْلَمُ». دیگر که در بسیاری از موارد، اختلاف قرائت اساساً هیچ گونه تغییری در معنا و تفسیر آیه ایجاد نمی‌کند؛ مانند اختلاف در قرائت «كُفُّوا - كُفُّوا»، «جَبْرِيل - جَبْرِيل - جَبْرِئِل - جَبْرِئِل»، «میکال - میکائیل - میکائیل» و «ابراهیم - ابراهام». بنابراین، مسئله اختلاف قرائت به حدی نیست که در متن قرآن کریم خللی وارد سازد و تأثیر مهمی در معانی و مقاصد قرآن کریم ایجاد کند، به هر حال، به لحاظ ارزش و جایگاه قرآن کریم، بررسی قرائت صحیح تمام آیات دارای اهمیت است؛ چرا که در تعداد جالب توجهی از آیات، مسئله قرائت در استنباط حکم فقهی یا تفسیر آیه تأثیرگذار است.

۱. پیشینه

بحث قرائات همواره از ابعاد مختلفی مورد توجه دانشمندان و محققان اسلامی قرار داشته به حدی که تعداد آثار تألیف شده پیرامون مباحث مختلف قرائت، خارج از شمارش است. نمونه‌هایی از این آثار عبارت است از:

الف) کتاب‌هایی با عنوان الحجة برای بررسی دلائل ادبی هر قرائت. این نوع کتاب‌ها غالباً در قرن چهارم و پنجم هجری نگاشته شده‌اند؛ مانند «الحجة» ابن خالویه، «الحجة» ابوعلی فارسی، «حجة القرائات» ابوذرعه، «الکشف» مکی بن ابی طالب.

ب) کتاب‌هایی در گزینش قاریان و نقل قرائت آنان؛ این دسته از کتب نیز غالباً در قرن سوم تا پنجم تألیف شده‌اند مانند؛ آثار قاسم بن سلام، ابن مجاهد، احمد بن حسین بن مهران و ابومعشر طبری.

ج) کتاب‌هایی با عنوان الطبقات برای معرفی قاری، طبقه، اساتید و شاگردان او؛ مانند «غایة النهایة» اثر ابن جزری و «معرفة القراء الکبار» تألیف ذهبی.

د) کتب و تحقیقات مربوط به تاریخ قرائات و بیان تاریخ پیدایش و تطور قرائت.

هـ) پژوهش‌های مربوط به نقد و ارزیابی تواتر قرائات و تحقیقات مربوط به ارزیابی سندی برخی قرائات.

در خصوص مسائل پیرامون تعبیری چون «قراءة العامة» در آثار سده‌های نخست هجری، برخی از نویسندگان معاصر در کتاب «علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)» ضمن بحثی با عنوان «قرائت عموم مسلمانان و قرائت قراء»، به وجود تعبیری همانند «قراءة العامة» در منابع قرن دوم تا چهارم استناد کرده و پنج نمونه از موارد استعمال این گونه تعبیر را در کتاب فراء ذکر نموده‌اند و با ادعای اینکه قرائت عموم مسلمانان با قرائات متداول بین قراء تفاوت داشته، این گونه تعبیر را گواه روشنی بر تفاوت قرائت عموم مسلمانان با قرائات قراء دانسته‌اند و سپس قرائت امروزی (روایت حفص از عاصم) را مطابق همان قرائت رایج میان مسلمانان معرفی کرده‌اند (ناصرحیان، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۲).

در پی این امر، برخی دیگر این ادعا را به صورت مفصل‌تر مطرح کرده و با نگارش مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاریخ قراءة العامة و ارتباط آن با روایت حفص از عاصم»، موارد استعمال این تعبیر به ویژه در کتاب فراء را بررسی کرده‌اند و مدعی شده‌اند که این تعبیر بر وجود قرائت متمایزی بین عموم مردم دلالت داشته که بر قرائت امروزی نیز منطبق است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۵۹-۱۸۶).

برخی دیگر نیز با نگارش مقاله «پی‌جویی قرائت عامه در کتب تفسیری سده‌های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت» به بررسی این تعبیر به صورت اجمالی در تفاسیر سده‌های نخست هجری و به طور ویژه در کتاب «مجاز القرآن» اثر ابوعبیده پرداخته‌اند^[۱] (ایزدی و ذوقی، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۳۹۶: ۴۹-۶۸).

از آنجا که گزارش‌های کتاب «علوم قرآنی در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)» در مورد این گونه تعبیر، بسیار محدود و مختصر می‌باشد و مقاله «پی‌جویی قرائت عامه در کتب تفسیری سده‌های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت» نیز با محوریت کتاب ابوعبیده و بدون بررسی تفصیلی سایر آثار همچون تفسیر فراء نگاشته شده است و اینکه گزارش‌های مقاله «بررسی تاریخ قراءة العامة و ارتباط آن با روایت حفص از عاصم» مشتمل بر اشتباهات متعدد در گزارش عبارات فراء و خطاهای فاحش در برداشت از این عبارات است و موارد متعدد نقص ادعای آنان را نادیده گرفته است، بررسی کامل این گونه تعبیر و ارزیابی ادعاهای مطرح شده در تفسیر فراء، ضروری و مهم می‌نماید که موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد.

۲. فراء و کتاب معانی القرآن

یحیی بن زیاد اقطع، معروف به یحیی الفراء (متوفای ۲۰۷ق) از علمای بزرگ نحو و ادبیات عرب بود که ابتدا از شاگردان کسائی (عالم به نحو و قرائت، متوفای ۱۸۹ق) بود. فراء کتابی در تفسیر قرآن به نام «معانی القرآن» دارد. این کتاب حاصل تفسیر شفاهی او به شاگردانش می‌باشد که به صورت هفتگی در مسجد انجام می‌شد (زبیدی، طبقات النحویین و اللغویین، ۱۹۸۴: ۱۳۲؛ معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۳۸۶: ۵۰۳/۲).

البته شاگردی فراء نزد کسائی به معنای مقلد بودن او در علم نحو، تفسیر و یا قرائت نیست، بلکه فراء خود در این علوم صاحب نظر بود؛ بنابراین، صحیح نیست که گفته شود: فراء شاگرد کسائی بود. بنابراین اگر [فراء] قرائتی را طبق قرائت حفص از عاصم خوانده، نشان می‌دهد که این قرائت، در بین مسلمانان قرائت مشهور و اصل بوده است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن وحدیث، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

این ادعا، نادرست است؛ چرا که اولاً فراء در قرائت از کسائی تقلید نمی‌کرد و خود در قرائت اجتهاد می‌کرد و با ارائه دلیل، یک قرائت را انتخاب می‌کرد (ر.ک: فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۸/۴۳، ۳۷۵، ۳۹۳، ۴۰۷ و ...). بلکه فراء معتقد بود هر قرائتی که به لحاظ قواعد عربی جایز باشد، قرائتی صحیح است و نباید صرفاً به این دلیل که هیچ یک از قاریان آن گونه قرائت نکرده‌اند، آن قرائت را تقبیح کرد (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲۴۵/۱). بر این اساس، وی نه تنها از قرائت کسائی تقلید نمی‌کرد، خود را ملزم به تبعیت از هیچ‌یک از قاریان نمی‌دانست.

ثانیاً علت عدم تبعیت فراء در مواردی از قرائت کسائی، الزاماً به معنای مشهور بودن قرائت مخالف کسائی نیست، بلکه می‌تواند علل متعددی همچون وجوه نحوی، صرفی، تفسیری یا ... در ترجیح قرائت مخالف کسائی داشته باشد چنانکه به عنوان نمونه در آیه ۷۱ سوره توبه با بیان وجهی تفسیری، قرائت مخالف کسائی را ترجیح می‌دهد و صریحاً می‌گوید که به نظر او کسائی فاقد علم تفسیر بوده است! (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۴۱۹/۱).

ثالثاً اگر این استدلال صحیح باشد، می‌توان مشابه آن را نسبت به سایر قرائات نیز مطرح کرد که اگر فراء قرائتی را طبق قرائت مثلاً ابو عمرو بصری خوانده، نشان می‌دهد که این قرائت در بین مسلمانان قرائت مشهور و اصل بوده است! و همین‌طور سایر قاریان که در این صورت باید تمام قرائاتی را که فراء مطابق آنان خوانده و با کسائی مخالفت کرده، قرائت مشهور قلمداد کرد! بنابراین نمی‌توان صرف مخالفت فراء با کسائی را به معنای مشهور و عمومی بودن قرائت منتخب فراء دانست.

۳. فراء و راویان قرائت عاصم

دوراوی مشهور قرائت عاصم، ابوبکر بن عیاش (شعبه) و حفص بن سلیمان می‌باشند که در موارد قابل توجهی، قرائت عاصم را به صورت متفاوت نقل کرده‌اند. بررسی کتاب «معانی القرآن» فراء نیز نشان می‌دهد که او به صورت کلی در نقل قرائت عاصم، تنها به روایت ابوبکر بن عیاش (شعبه) اعتماد داشت و در هنگام نقل قرائت عاصم بارها نام او را ذکر کرده است (همان، ۱۲۲/۲، ۱۲۵/۲، ۱۹۶/۲، ۲۵۲/۲؛ ۳۶/۳)، اما هیچ‌گاه قرائت عاصم را به روایت حفص نقل نکرده و در کتابش نیز هیچ‌گاه نامی از او نبرده است.

علاوه بر این، فراء در موارد متعدد اختلاف روایت حفص با روایت ابوبکر بن عیاش، بدون هیچ اشاره‌ای به روایت حفص از عاصم، روایت ابوبکر بن عیاش را به عنوان قرائت عاصم مطرح می‌کند؛ همچون قرائت آیه سوره «فَلَا تَقْلُ لَهَا أَفَّ» (اسراء/۲۳؛ همان، ۱۲۱/۲)، «لِلْعَلَّكِ تُرَضًی» (طه/۱۳۰؛ همان، ۱۹۶/۲)، «وَكَذَلِكَ نُجِّی الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/۸۸؛ همان، ۲۱۰/۲)، «غَیْرِ أَوَّلِ الْإِرْبَةِ» (نور/۳۱؛ همان، ۲۵۰/۲)، «يُسَجِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور/۵۸؛ همان، ۲/۲۵۳)، «ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» (نور/۵۸؛ همان، ۲/۲۶۰)، «يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ» (فرقان/۶۹؛ همان، ۲/۲۷۳)، «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ» (سبأ/۱۲؛ همان، ۳۵۶/۲)، «فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ» (یس/۱۴؛ همان، ۲/۳۷۴)، «هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضَرِّهِ - هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ» (زمر/۳۸؛ همان، ۲/۴۲۰)، «ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ» (غافر/۴۶؛ همان، ۱۰/۳)، «أَوْ مِنْ يَنْشَأُ فِي الْحَلِيَّةِ» (زخرف/۱۸؛ همان، ۳/۲۹)، «حَتَّى إِذَا جَاءَنَا» (زخرف، ۳۸؛ همان، ۳/۳۳)، «مِثْلُ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ» (ذاریات، ۲۳؛ همان، ۳/۸۵)، «وَمَا نَزَّلَ مِنَ الْحَقِّ» (حدید/۶؛ همان، ۱۳۴/۳)، «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ» (حدید/۱۸؛ همان، ۳/۱۳۵)، «تَوْبَةَ نُصُوحًا» (تحریم/۸؛ همان، ۱۶۸/۳)، «رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» (مزل/۹؛ همان، ۱۹۸/۳)، «وَالرَّجْزَ فَاهْجِ» (مدثر/۵؛ همان، ۳/۲۰۰)، «عَذْرًا أَوْ نُذْرًا» (مرسلات/۶؛ همان، ۳/۲۲۲). در تمام این آیات، فراء تنها همان روایت شعبه را به عنوان قرائت عاصم ذکر کرده است بدون اینکه حتی به روایت متفاوت حفص از عاصم اشاره‌ای کند.

این امر نشان می‌دهد که فراء هیچ اعتمادی به روایت حفص از عاصم نداشته و روایت او را کاملاً نادیده می‌گرفت. ظاهراً علت بی‌اعتنایی و عدم اعتماد فراء به روایت حفص، عدم وثاقت و مشهور بودن حفص به کذب بوده است؛ چنان که عموم علمای رجال به آن تصریح کرده‌اند (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۲؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۳۸۲: ۵۵۸/۱؛ برای اطلاع بیشتر از وضعیت رجالی حفص در بین علمای رجال شیعه و اهل سنت، ر.ک: حجتی و شریفی‌نسب، ارزیابی سندی روایت حفص از قرائت عاصم، ۱۳۹۶: ۱۲۱-۱۲۶).

۴. رابطه تعبیر «قراءة العامة» با قرائت حفص

برخی ادعا کرده‌اند تعبیر «قراءة العامة» در کتاب فراء، دلالت بر وجود یک قرائت واحد و رایج میان عموم مردم بوده است که با قرائت امروزی یعنی قرائت حفص از عاصم مطابقت دارد. در این صورت، این تعبیر نباید در هیچ موردی بر خلاف قرائت حفص به کار رفته باشد، در حالی که بررسی کتاب فراء نشان می‌دهد این گونه تعبیر بارها برخلاف قرائت حفص به کار رفته است که موارد آن به قرار ذیل است:

۱-۴. ﴿بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ در آیه ۲۶ سوره صافات

در آیه ۲۶ سوره صافات، فراء قرائت ﴿بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ بدون تنوین را قرائة العامة نامیده و نوشته است: قوله ﴿إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ تُضَافُ الزَّيْنَةُ إِلَى الْكَوَاكِبِ وَهِيَ قِرَاءَةُ الْعَامَةِ (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۳۸۲). وی در مقابل این قرائت، قرائت مسروق را ذکر می‌کند که «بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» با تنوین خوانده است (همان، ۲/۳۸۲). البته عاصم و حمزه نیز «بِزِينَةِ» را با تنوین خوانده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۴۶) که فراء نامی از آنان نبرده است.

به هر حال، سخن فراء در اضافه شدن «زینة» به «الکواکب»، صریح در آن است که قرائت بدون تنوین یعنی «بِزِينَةِ» قرائت عامه می‌باشد که بر خلاف قرائت حفص از عاصم می‌باشد که آن را با تنوین خوانده است. با این حال، عجیب آن است که برخی در فهم این عبارت صریح فراء، دچار خطا شده و قرائت «بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» را قرائة العامة فهمیده‌اند! (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن وحديث، ۱۳۹۴: ۱۷۸)، در حالی که فراء به صراحت اضافه شدن «زینة» به «کواکب» را قرائة العامة دانسته است.

۲-۴. ﴿لَخُسْفٍ بَنَّا﴾ در آیه ۸۲ سوره قصص

در آیه ۸۲ سوره قصص، حفص از عاصم «لَخُسْفٍ بَنَّا» را به صورت معلوم خوانده است، ولی سایر روایان از قاریان سبعة «لَخُسْفٍ بَنَّا» را به صورت مجهول خوانده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۴۹۵). با این حال، فراء ذیل این آیه می‌نویسد: وقوله: «لَخُسْفٍ بَنَّا» قِرَاءَةُ الْعَامَةِ «لَخُسْفٍ»، وقد قرأها شَيْبَةُ وَالْحَسَنُ فِيمَا أَعْلَمُ «لَخُسْفٍ بَنَّا» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۳۱۳). فراء در این عبارت به صراحت قرائت «لَخُسْفٍ» را به عنوان قرائة العامة مطرح کرده که تمام روایان قرائات سبعة (به جز حفص) این گونه قرائت کرده‌اند و در مقابل قرائت شاذ «لَخُسْفٍ» را به شیبة و

حسن نسبت می‌دهد که قرائت حفص نیز با آن دو موافق است. روشن است که فراء در این مورد، تعبیر «قراءة العامة» را بر خلاف قرائت حفص به کار برده است.

با این حال، برخی این عبارت فراء را وارونه ترجمه و گزارش کرده و نوشته‌اند: قرائت عامه مسلمانان «لِخَسَفَ بنا» است و حسن و شیبیه «لِخُسِفَ بنا» خوانده‌اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن وحديث، ۱۳۹۴: ۱۷۱). آنان همچنین در ادامه با استناد به همین نقلشان از کتاب فراء، چنین نوشته‌اند: قرائت عمومی مسلمانان در آن دوره با قرائت معاصر یکی است و فراء که بر ابن مجاهد از نظر زمانی تقدم دارد، این قرائت را به عنوان قرائت عامه مطرح می‌کند نه قرائت حفص از عاصم و این خطای یعنی نسبت دادن قراءة العامة به حفص احتمالاً از جانب ابن مجاهد رخ داده است؛ زیرا فراء اعلم از ابن مجاهد بوده است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن وحديث، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

اشتباه نویسندگان در نقل وارونه عبارت فراء از آنجا ناشی شده که به اعراب‌گذاری نسخه برخی از نرم‌افزارها همچون «مكتبة الشاملة» اعتماد کرده‌اند که در آن، هم قراءة العامة «لِخَسَفَ» اعراب‌گذاری شده و هم قرائت مخالفش که به شیبیه و حسن نسبت داده است! اما مراجعه به نسخه چاپ شده کتاب از همان ناشر، اشتباه نسخه نرم‌افزاری در اعراب‌گذاری را نشان می‌دهد (قس: نسخه چاپی و نرم‌افزاری کتاب معانی القرآن فراء، ۳۱۳/۲، انتشارات «الهيئة المصرية»); چنان که نسخه‌های دیگر چاپ شده این کتاب از ناشران دیگر نیز اعراب‌گذاری اشتباه نسخه نرم‌افزاری را روشن‌تر می‌سازد (ر.ک: معانی القرآن، انتشارات عالم الکتب، ۱۴۰۳: ۳۱۳/۲)^[۲۱].

علاوه بر این، حتی بدون در نظر گرفتن نسخ چاپی نیز نادرست بودن اعراب‌گذاری متن نرم‌افزاری تشخیص‌پذیر است؛ چرا که وقتی قرائت «لِخَسَفَ» به عنوان قرائت شاذ در مقابل قراءة العامة ذکر می‌شود، امکان ندارد قرائتی که قبلاً به عنوان قراءة العامة ذکر شده نیز همان قرائت «لِخَسَفَ» باشد. همچنین اگر به عقیده فراء قرائت «لِخَسَفَ» قراءة العامة بود، در مقابل آن به قرائت هفت قاری مشهور که آن را «لِخُسِفَ» خوانده‌اند، اشاره می‌کرد نه به قرائت شیبیه و حسن. بر این اساس، ادعای نویسندگان مبنی بر خلط قراءة العامة با قرائت حفص توسط ابن مجاهد نیز ادعایی پوچ و بی‌اساس می‌باشد. افزون بر آن، اساساً چنین ادعاهایی امکان وقوع خارجی ندارند؛ چرا که اگر ابن مجاهد قرائت حفص را با قرائت رایج بین مردم خلط می‌کرد،

ناگزیر باید قرائت حفص را به عنوان قرائت عامه مسلمانان معرفی می‌کرد، در حالی که تصریح می‌کند که قرائت حفص حتی در کوفه نیز رایج نبود (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۷۱). از طرف دیگر، اینکه فرض شود یک قرائت عمومی بین تمام شهرهای اسلامی در طول چهار قرن وجود داشته و تنها به علت اشتباه یک نفر این قرائت عمومی تغییر کند، چنین امری امکان‌پذیر نیست. چگونه امکان دارد در قرن چهارم که عصر تألیف و تدوین قرائات بود و مصنفان زیادی دست به تألیف و گردآوری قرائات زدند، به یک‌باره چنین خلط فاحشی بین قرائت عمومی و قرائت حفص رخ دهد، در حالی که سند قرائت حفص منحصرأ در اختیار یک شخص نبوده که با خلط او همه چیز تغییر کند. افزون بر آنکه بر اساس تصریحات خود ابن مجاهد، در قرن چهارم هجری هیچ قرائت عمومی بین مردم وجود نداشته، بلکه مردم هر یک از شهرها قرائت متمایزی از دیگر شهرها داشتند (همان، ۶۳، ۶۵، ۷۱، ۸۴، ۸۷).

به هر حال، فراء در این آیه نیز تعبیر «قراءة العامة» را بر خلاف قرائت حفص به کار برده است.

۳-۴. ﴿الْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامُ﴾ در آیه ۹۴ سوره نساء

فراء در آیه ۹۴ سوره نساء، قرائت عامه را «السَّلَام» معرفی می‌کند (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲۸۳/۱)، در حالی که در روایت حفص از عاصم، این کلمه با الف به صورت «السلام» قرائت می‌شود (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۲۳۶). روشن است که در این آیه نیز تعبیر قرائة العامة بر خلاف قرائت حفص به کار رفته است.

۴-۴. ﴿فَعَمَّيْتَ إِلَيْكُمُ﴾ در آیه ۲۸ سوره هود

در آیه ۲۸ سوره هود نیز فراء «فَعَمَّيْتَ» را به عنوان قرائت عامه معرفی کرده (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱۲/۲)، در حالی که حفص آن را به صورت «فَعَمَّيْتَ» قرائت نموده است (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۳۳۲)؛ بنابراین، در این آیه نیز تعبیر قرائة العامة بر خلاف قرائت حفص استعمال شده است.

۵-۴. ﴿فَمَكَّتْ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ در آیه ۲۲ سوره نمل

حفص و شعبه (هر دو راوی قرائت عاصم) «فَمَكَّتْ» را به فتح کاف قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰، ۴۸۰)، اما فراء قرائت «فَمَكَّتْ» به ضم کاف را قرائة الناس نامیده است: «قَرَأَهَا النَّاسُ بِالضَّمِّ وَقَرَأَهَا عَاصِمٌ بِالْفَتْحِ فَمَكَّتْ» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۲۸۹).

برخی از نویسندگان برای توجیه این عبارت فراء، در عبارتی مبهم و نارسا چنین می‌نویسند: «ابن مجاهد این قرائت را روایت حفص از عاصم است، در حالی که سایر قراء با ضم خوانده‌اند» (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۴) و سپس چنین ادامه می‌دهند: «ابوعلی فارسی قرائت «فمکث» بالفتح را بر اساس نقل قولی از سیبویه صحیح می‌داند ... ابوعبیده معمر بن مثنی قرائت فتح را صحیح می‌داند. این نشان می‌دهد قرائت «فمکث» بالفتح مشهور بوده و به عنوان قرائت ملاک و معتبر شناخته می‌شده است» (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

باید گفت تجویز این قرائت توسط ابوعلی فارسی با قواعد ادبی، نه به معنای انتخاب این قرائت است و نه به معنای شهرت آن. ابوعبیده نیز تنها هر دو قرائت را ذکر کرده است و اشاره‌ای به انتخاب یا شهرت یک قرائت نکرده است (ر.ک: ابوعبیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱: ۲/ ۹۴). بنابراین، ادعای مشهور بودن قرائت فتح نه تنها هیچ مستندی ندارد، بلکه عبارت فراء که قرائت رفع را قرائة الناس نامیده، به صراحت شهرت قرائت رفع را ثابت می‌کند که با قرائت حفص مطابقت ندارد.

۶-۴. ﴿وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا﴾ در آیه ۱۱ سوره مجادله

فراء ذیل این آیه، قرائت «انشُزُوا فانْشُزُوا» را قرائة الناس معرفی کرده و می‌نویسد: «قرأ الناس بكسر الشين» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱۴۱/۳)، در حالی که حفص آن را به رفع شین «انشُزُوا فانْشُزُوا» قرائت کرده است (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۶۲۹).

۷-۴. ﴿وَلْيُبَيِّنْهُمْ﴾ در آیه ۵۵ سوره نور

در این آیه نیز فراء تعبیر قرائة الناس را در برابر قرائت عاصم ذکر کرده است و می‌نویسد: «وقوله «وليبذلنهم» قرأها عاصم بن أبي النجود والأعمش «وَلْيُبَيِّنْهُمْ» بالتشديد وقرأ الناس «وَلْيُبَيِّنْهُمْ» خفيفة» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/ ۲۵۹). روشن است که در این عبارت نیز تعبیر قرائة الناس با قرائت حفص از عاصم مطابقت ندارد.

۸-۴. ﴿لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى﴾ در آیه ۸ سوره صافات

فراء در این آیه نیز قرائت «لَا يَسْمَعُونَ» را به عنوان قرائة الناس مطرح کرده است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۸۲/۲)، در حالی که این قرائت با قرائت حفص یعنی «لَا يَسْمَعُونَ» (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۴۷) متفاوت است.

۹-۴. ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ﴾ در آیه ۲۶ سوره محمد ﷺ

در این آیه نیز که حفص «إسراهم» را به کسر الف قرائت نموده (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۶۰۱) و فراء قرائت «أسراهم» به فتح الف را به عنوان قرائة الناس مطرح کرده است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۶۳/۳).

۱۰-۴. ﴿لَنْ أُنْجِيَنَّاهُ﴾ در آیه ۶۳ سوره انعام

فراء در این آیه قرائت «أُنْجِيَنَّاهُ» را به عنوان قرائة الناس مطرح کرده (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۳۸/۱)، در حالی که راویان قرائت عاصم (حفص و شعبه) این آیه را «أُنْجَانَا» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۲۵۹).

۱۱-۴. ﴿لَا مَقَامَ لَكُمْ﴾ در آیه ۱۳ سوره احزاب

در این آیه نیز فراء قرائت «لَا مَقَامَ» به فتح میم را قرائة العوام دانسته (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۳۶/۲)، در حالی که حفص این آیه را «لَا مُقَامَ» به ضم میم قرائت کرده است.

۱۲-۴. ﴿لَعَنَّا كَثِيرًا﴾ در آیه ۶۸ سوره احزاب

در این آیه نیز فراء قرائت «كثِيرًا» را قرائة العوام معرفی کرده است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۵۱/۲)، در حالی که راویان قرائت عاصم (حفص و شعبه) این واژه را «كَبِيرًا» قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۲۳).

۱۳-۴. ﴿فِي مَسَاكِنِهِمْ﴾ در آیه ۱۵ سوره سبا

فراء در این آیه قرائت «مَسَاكِنِهِمْ» به صیغه جمع را به عنوان قرائة العوام ذکر کرده (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۵۷/۲)، اما حفص آن را «مَسْكَنِهِمْ» به صورت مفرد قرائت کرده است (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۲۸).

۱۴-۴. ﴿هَلْ يَجَازِي إِلَّا الْكُفُورُ﴾ در آیه ۱۷ سوره سبا

حفص در این آیه «نَجَازِي» را به نون قرائت کرده (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۲۸)، در حالی که فراء قرائت «يَجَازِي» به یاء را به عنوان قرائت عوام ذکر کرده است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۵۹/۲).

۱۵۴. ﴿ويعلم ما يفعلون﴾ در آیه ۲۵ سوره شوری

فراء در این آیه «يفعلون» با یاء را قرائت عوام مطرح کرده (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳/ ۲۳)، اما حفص آن را «تفعلون» به تاء قرائت کرده است (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۸۱). موارد پانزده‌گانه فوق، نمونه‌ای از تعابیر فراء در کتاب «معانی القرآن» است که به قرائت عمومی اشاره دارد و با قرائت کنونی یعنی قرائت حفص مطابقت ندارد.

۵. رویکرد فراء در موارد انحصاری قرائت حفص

برخی ادعا کرده‌اند اگر فراء در موارد انحصاری قرائت حفص (یعنی موارد انفراد قرائت حفص و متفاوت با قرائت تمام قاریان) را بپذیرد، این مسئله گواه این است که در قرن دوم در جامعه اسلامی قرائتی یکسان وجود داشته که با قرائت امروزی یکسان است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۶۸). اما این ادعا پذیرفتنی نیست؛ چرا که صرف پذیرش قرائت حفص تنها در چند آیه از سوی فراء، به معنای عمومی بودن آن قرائت بین مردم نیست. دیگر آنکه خود فراء در قرائت صاحب‌نظر بوده، طبق اجتهاد خود، قرائاتی را برمی‌گزید و حتی گاهی با مطرح کردن قرائتی که هیچ‌کس آن گونه نخوانده، آن را قرائتی جایز و نیکو می‌نامید (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳۲/۲ و ۱۵۹؛ ج ۳، ص ۸۳، ۱۶۸ و ۲۳۹). به هر حال، ملاحظه رویکرد فراء در موارد زیر که به عنوان قرائت انحصاری حفص مطرح شده، دارای اهمیت است:

۱۵۵. ﴿لَخَسَفَ بَنَّا﴾ در آیه ۸۲ سوره قصص و ﴿فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ در آیه ۲۲ سوره نمل

برخی این دو آیه را به عنوان دو قرائت اختصاصی حفص مطرح کرده که فراء آن را قرائة العامة معرفی کرده است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۱ و ۱۷۴)، اما باید توجه داشت که اساساً قرائت «لَخَسَفَ» و «فَمَكَثَ» قرائت انحصاری حفص نیست؛ چرا که یعقوب، حسن بصری، سهل، شیبه و اعرج نیز «لَخَسَفَ» قرائت کرده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۶: ۷/ ۴۱۳) و شعبه (دیگر راوی قرائت عاصم) و روح از یعقوب و جعفری از ابوعمرو و سهل نیز «فَمَكَثَ» قرائت کرده‌اند (ابوحیان، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۸/ ۲۲۴). افزون بر آن، چنان که بیان شد، فراء در این دو آیه، قرائت مخالف حفص را قرائة العامة نامیده است نه قرائت حفص.

۲۵. ﴿قلنا احمل فيها من كل زوجين اثنين﴾ در آیه ۴۰ سوره هود

از توضیح فراء ذیل این آیه چنین بر می آید که او آیه را مطابق قرائت «کل» با تنوین تفسیر کرده است؛ چرا که برای «کل» مضاف الیه محذوفی فرض کرده و معنای آیه را «من کل نوع زوجان» دانسته است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱۴/۲). در این آیه برخی قرائت «کل» با تنوین را به عنوان قرائت انحصاری حفص مطرح کرده اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۶۹) و به صورت ضمنی مدعی شده اند که تفسیر این آیه توسط فراء طبق قرائت انحصاری حفص و به دلیل رواج این قرائت بوده است! اما باید توجه داشت که اولاً قرائت با تنوین، قرائت انحصاری حفص نیست، بلکه حسن بصری (۱۱۰ق) که متقدم بر حفص (۱۸۰ق) بوده نیز این آیه را با تنوین قرائت کرده است (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر، ۱۴۲۲: ۳۲۱). ثانیاً چنان که گذشت، صرف پذیرش یک قرائت توسط فراء به هیچ وجه دلالتی بر شهرت و رواج آن قرائت ندارد، چرا که فراء خود شخصاً در قرائت اجتهاد می کرد.

برخی دیدگاه ابن خالویه و ابوعلی فارسی را در این آیه این گونه نقل کرده اند که آنان معتقدند بر مبنای قرائت تنوین یعنی «کل زوجین»، حداقل چهار حیوان مقصود است، اما بر مبنای قرائت سایر قراء یعنی «کل زوجین» می تواند دو حیوان مقصود باشد (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۶۹) و عجیب آن است که در ادامه، روایتی را که تصریح می کند از هر حیوان فقط یک جفت داخل کشتی نوح شدند، موافق قرائت «کل» معرفی می کنند! (همان). عجیب تر آنکه روایت مخالف آن را یعنی روایتی که دلالت بر حمل دو جفت (یک جفت وحشی و یک جفت اهلی) در کشتی را دارد، نیز موافق قرائت تنوین معرفی می کنند! (همان، ۱۷۰) و در ادامه، همین دو روایت متضاد را که قابل انطباق بر یک قرائت نیستند، شاهی بر مطابقت داشتن قرائت معصومان با قرائت امروزی دانسته اند! (همان).

باید دانست که اولاً گزارش دیدگاه ابن خالویه و ابوعلی فارسی نادرست است؛ چرا که ابن خالویه چنین مطالبی را نگفته است (ر.ک: ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، ۱۴۲۱: ۱۸۶) و ابوعلی فارسی نیز عکس این مطالب را بیان داشته و مقصود آیه را بر مبنای قرائت تنوین «کل زوجین»، دو حیوان (ابوعلی فارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۱۳: ۳۲۸) و بر مبنای قرائت مضاف «کل زوجین»، حیوانات متعدد دانسته است^[۳] (همان، ۳۲۷).

ثانیاً محتوای دو روایت مذکور با یکدیگر در تضاد است و امکان ندارد هر دو روایت را بر یک قرائت منطبق بدانیم. علاوه بر آن، صرف یک روایت در قرائت یک آیه، نمی‌تواند دلیلی بر مطابقت کلی قرائت اهل بیت (علیهم‌السلام) با قرائت یک قاری دانسته شود، به ویژه آنکه از سایر روایاتی که تفسیر معصوم (علیه‌السلام) در آن به صراحت با قرائت حفص در تضاد است همچون قرائت آیه «وَكَايْنِ مِنْ نَبِيٍّ قُتِلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰: ۲۰۱/۱) یا قرائت آیه «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» (صدوق، عیون الأخبار، ۱۳۷۸: ۲/۷۶-۷۵) غفلت شده است؛ بنابراین، نباید صرفاً به لحاظ یک روایت که با روایت دیگری در همان باره در تضاد است، حکم کلی به مطابقت قرائت اهل بیت (علیهم‌السلام) با قرائت حفص صادر کرد؛ چرا که دلیل جزئی، نتیجه کلی به دنبال ندارد.

۳-۵. «قال تزرعون سبع سنين دأباً» در آیه ۴۷ سوره یوسف

در این آیه حفص از عاصم «دأباً» را با همزه مفتوح خوانده و سایر قراء آن را با همزه ساکن «دأباً» خوانده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۳۴۹). فراء ذیل این آیه می‌نویسد: وقوله «دأباً» قرأ بعض قرائنا «سبع سنين دأباً»: فعلاً. وكذلك كل حرف فُتِحَ أوله وسُكِّنَ ثانيه فثقله جائز إذا كان ثانيه همزة أو عيناً أو غيناً أو حاءً أو خاءً أو هاء (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۴۷). به رغم وضوح سخن فراء، عجیب آن است که برخی باز هم عبارت فراء را وارونه معنا کرده و نوشته‌اند: فراء می‌گوید برخی از قراء ما چنین خوانده‌اند این درحالی است که همه قراء به جز حفص از عاصم این طور خوانده‌اند. فراء ساکن خواندن آن را جایز می‌خواند. می‌توان گفت قرائت مشهور همان فتحه بوده است چون کسانی هم به سکون خوانده است و احتمالاً چون استادش به سکون خوانده است آن را نیز جایز دانسته است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

این گونه معنا نمودن عبارت فراء بسیار عجیب است؛ چرا که عبارت او به صراحت قرائت فتح یعنی همان قرائت حفص را به عنوان قرائت بعضی از قاریان ذکر کرده نه قرائت همه قاریان را. همچنین آن قرائتی که فراء با استناد به قواعد نحوی جایز نامیده، همان قرائت فتح است نه قرائت سکون که قرائت استادش کسانی می‌باشد.

بنابراین، همین عبارت فراء در حقیقت نشان می‌دهد که در این آیه، قرائت حفص (فتح «دأباً») در عصر فراء رواج نداشته، بلکه منتسب به برخی از قاریان بوده است.

۴-۵. ﴿سواء العاکف فیہ و الباد﴾ در آیه ۲۵ سوره حج

در این آیه، حفص از عاصم، روح و زید از یعقوب «سواء» را منصوب و سایر قاریان آن را مرفوع قرائت کرده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۶: ۱۲۶/۷) که برخی آن را به اشتباه جزء قرائات انحصاری حفص به شمار آورده‌اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۰). به هر حال، فراء ذیل این آیه می‌نویسد: «وقوله «سواء العاکف فیہ و الباد» فالعاکف من کان من أهل مکة والباد من نزع إلیه بحج أو عمرة وقد اجتمع القراء علی رفع «سواء» هاهنا» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲۲۱/۲). در این عبارت، فراء بدون اعتنا به قرائت حفص، قرائت مرفوع را مورد اجماع قاریان ذکر کرده است که برخی را به توجیهات عجیبی واداشته است که بگویند: این احتمال وجود دارد که به دلیل تقدم فراء بر ابن مجاهد، ابن مجاهد اشتباهاً گمان کرده این روایت حفص از عاصم است؛ زیرا فراء تعبیر به اجتماع قراء کرده و عاصم از قراء بوده است و این اشتباه به دلیل نزدیکی روایت حفص به قرائت عامه رخ داده باشد ... بنابراین، می‌توان گفت روایت حفص از عاصم نیز همان «سواء» بوده است و این اشتباه از جانب ابن مجاهد بوده است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

روشن است که منشأ این توجیهات، غفلت از وجود راوی دیگر قرائت عاصم می‌باشد که باعث شده اجماع قاریان ملازم با داخل بودن حفص در این اجماع دانسته شود و ابن مجاهد را متهم به اشتباه کنند! ولی چنان که گذشت، فراء به صورت کلی در اخذ قرائت عاصم، تنها به روایت ابوبکر بن عیاش (شعبه) اعتماد داشته و در این آیه نیز با اعتماد به روایت او از عاصم، ادعای اجماع قاریان را مطرح کرده و روایت حفص را نادیده گرفته است. شاهد این مطلب - چنان که پیش از این به تفصیل ذکر شد - آن است که فراء در کتابش در موارد متعددی که روایت حفص با روایت شعبه متفاوت می‌باشد، بدون اشاره به روایت حفص، تنها روایت ابوبکر بن عیاش را به عنوان قرائت عاصم مطرح کرده است.

ناگفته نماند که در این آیه به این مطلب که «سواء» در ابتدای عبارت فراء به صورت منصوب اعراب‌گذاری شده نیز استناد شده و ادعا شده است که این اعراب‌گذاری دلالت بر مشهور بودن قرائت حفص بین مردم آن عصر دارد. مدعیان می‌نویسند: این نشان می‌دهد از نظر فراء بین قرائت مشهور و قرائت سایر قراء کاملاً تفاوت است؛ زیرا ابتدا «سواء» را به صورت منصوب و بعد می‌گوید فراء بر رفع آن اجماع کرده‌اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

باید دانست که اولاً با توجه به اینکه اعراب‌گذاری‌های امروزی در کتاب‌های مربوط به قرون نخست هجری به صورت قطعی منتسب به نویسندگان نیستند، انتساب این اعراب‌گذاری به فراء با تردید همراه است، به ویژه آنکه فراء در مواردی که به قرائت اشاره می‌کند، صرفاً به اعراب‌گذاری اکتفا نکرده بلکه آن را با عباراتی مانند بالنصب، بالرفع، بالفتح و ... همراه می‌سازد. ثانیاً بر فرض آنکه فراء شخصاً «سواء» در ابتدای عبارتش را بر خلاف قرائت سایر قاریان اعراب‌گذاری کرده باشد، این امر نهایتاً به معنای تجویز این قرائت از جانب فراء یا گزینش آن است و دلالتی بر رواج آن بین مردم ندارد، چنان که بارها قرائتی مغایر با قرائت فراء را تجویز یا تحسین کرده و خود تصریح نموده که هیچ‌کس آیه را آن گونه قرائت نکرده است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۳۲ و ۱۵۹؛ ۳/۸۳ و ۱۶۸ و ۲۳۹).

۵.۵. «إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» در آیه ۲۲ سوره روم

در این آیه، حفص از عاصم «لِلْعَالَمِينَ» را به کسر لام قرائت کرده، اما سایر قراء آن را به فتح لام خوانده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۵۰۶-۵۰۷). فراء ذیل این آیه می‌نویسد: وقوله «لَايَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» يريد العالم من الجن والإنس ومن قرأها «لِلْعَالَمِينَ» فهو وجه جيد؛ لأنه قد قال «لَايَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و «لَايَاتٍ لِأُولَى الْأَبَابِ» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۳۲۳). برخی این عبارت فراء را دلیلی برای شهرت قرائت حفص تصور کرده و نوشته‌اند: با توجه به اینکه فراء شاگرد کسایی است و در اینجا قرائت غیر مشهور را می‌آورد، به بهتر بودن قرائت مشهور اشاره می‌کند ... و قرائت مختار فراء، همان «قراءة العامة» و مطابق قرائت معاصر است؛ زیرا وی یکی از عباراتی که به هنگام انتخاب قرائت می‌آورد «فهو وجه جيد» است (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

باید گفت فراء در این عبارت، قرائت عالمین را قرائت بهتر معرفی نکرده و آن را بر قرائت دیگر ترجیح نداده، بلکه صرفاً آن را قرائتی صحیح و نیکو (وجه جید) معرفی کرده است. علاوه بر آن، انتخاب یا ترجیح یک قرائت از سوی فراء به معنای مشهور بودن آن بین مردم نیست. اینکه گفته شده فراء برای انتخاب قرائت از تعبیر «هو وجه جيد» استفاده می‌کند نیز گزارشی نادرست است؛ چرا که ملاحظه سایر موارد استفاده فراء از تعبیر «هو وجه جيد» نشان می‌دهد که این تعبیر تنها به معنای تأیید صحت یک قرائت در کنار دیگر قرائات است؛ چنان که در مکتب اهل سنت قرائات متعددی جایز دانسته می‌شود. فراء گاهی در عین اینکه از یک قرائت

با «وجه جيد» تعبیر می‌کند، قرائت دیگری را محبوب‌ترین قرائت نزد خود معرفی می‌کند (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱/۲۰۰). گاهی نیز این تعبیر را برای یک قرائت شاذ که بر خلاف قرائت تمام قاریان است، استفاده کرده (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۲/۲۱۵، ۲۴۷ و ۲۹۹) و حتی گاهی برای قرائتی که هیچ کس آن گونه قرائت نکرده، چنین تعبیری به کار برده است (همان، ۲/۳۷۳). همچنین در برخی موارد، این تعبیر را در مقابل قرائت امروزی یعنی قرائت حفص از عاصم نیز به کار برده است (همان، ۲/۹۹ و ۱۷۱). بنابراین، این تعبیر نه به معنای شهرت یک قرائت است و نه به معنای انتخاب یک قرائت، بلکه صرفاً تأیید صحت یک قرائت در کنار دیگر قرائت می‌باشد که بر مبنای فکری اهل سنت (یعنی صحت چند قرائت) استوار است.

۵۶. ﴿فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ﴾ در آیه ۵۳ سوره زخرف

قرائت اکثر قاریان در این آیه، «اساورة» است، در حالی که در قرائت حفص «اسورة» می‌باشد. برخی قرائت حفص را قرائت انحصاری وی دانسته‌اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۲)، در حالی که خود فراء قرائت «اسورة» را به حسن بصری نیز نسبت داده است (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳/۳۵) و قرائت یعقوب و سهل نیز به همین صورت بوده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۶: ۹/۷۷)؛ بنابراین، قرائت «اسورة» را نباید به عنوان قرائت انحصاری حفص مطرح کرد.

به هر حال، فراء ذیل این آیه چنین می‌نویسد: «وقوله: ﴿فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ﴾ یزید: فَهَلَّا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ، قَرَأَهَا يَحْيَىٰ بْنُ وَثَّابٍ «أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ» وَأَهْلُ الْمَدِينَةِ، وَذَكَرَ عَنِ الْحَسَنِ «أُسُورَةٌ»، وَكُلُّ صَوَابٍ» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۳/۳۵).

چنان که روشن است، عبارت «و اهل المدينة» عطف بر یحیی بن وثاب است و فراء قرائت اهل مدینه و یحیی را «اساورة» معرفی کرده است، اما برخی این عبارت را به صورت نادرست ترجمه کرده و قرائت اهل مدینه را «اسورة» برداشت کرده‌اند و سپس با استناد به اینکه این قرائت، قرائت اختصاصی حفص از عاصم است، مدعی رواج آن در مدینه شده‌اند و با یادآوری کوفی بودن عاصم، قرائت رایج کوفه را نیز همین قرائت دانسته‌اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۲-۱۷۳).

با این حال، علاوه بر اشتباه فاحش آنان در تشخیص معطوف علیه عبارت «و اهل المدينة» و همچنین اشتباه در انحصاری نامیدن این قرائت برای حفص، کوفی بودن عاصم نمی‌تواند دلیل رایج دانستن قرائت حفص در این شهر باشد؛ چرا که قرائت عاصم، راوی دیگری یعنی

ابوبکر بن عیاش (شعبه) دارد که مردم کوفه برای اخذ قرائت عاصم، او را بر حفص ترجیح می‌دادند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۷۱) که در این آیه او نیز «اساورة» قرائت کرده است؛ بنابراین، بر مبنای این عبارت فراء، قرائت «اسورة» آن گونه که حفص خوانده نه در مدینه و نه در کوفه رایج نبوده است.

۷-۵. «نزاعة للشوى» در آیه ۱۶ سوره معارج

در این آیه تنها حفص «نزاعة» را به نصب خوانده و سایر قراء آن را «نزاعة» به رفع قرائت کرده‌اند (ابن مجاهد، السبعة، ۱۴۰۰: ۶۵۰-۶۵۱). فراء ذیل این آیه بدون هیچ اشاره‌ای به قرائت نصب، دو وجه برای قرائت رفع ذکر کرده است «وقوله: «نَزَّاعَةٌ لِّلشَّوْىِ...» مرفوع علی قولک: إنها لظی، إنها نزاعة للشوى، وإن شئت جعلت الهاء عمادا، فرفعت لظی بنزاعة، ونزاعة بلظی» (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱۸۵/۳).

به رغم نادیده گرفته شدن قرائت نصب از سوی فراء، عجیب آن است که برخی با ارجاع به این عبارت فراء مدعی شده‌اند که قرائت «نزاعة» به نصب مطابق قرائت مشهور و حفص است و دیگران «نزاعة» خوانده‌اند (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن وحديث، ۱۳۹۴: ۱۷۴). در مجموع از آنچه گذشت، می‌توان دریافت که هیچ یک از این عبارات فراء، دلالتی بر رواج قرائت حفص ندارد، بلکه عبارت وی در موارد متعدد این ادعا را به صراحت نقض می‌کند.

۶. رابطه تعبير قراءة العامة با سایر قرائات

بررسی کامل کتاب فراء نشان می‌دهد که این گونه تعابیر اساساً قابلیت انطباق کلی با هیچ یک از قرائات ندارند؛ چراکه این گونه تعابیر علاوه بر عدم انطباق بر روایت حفص از عاصم، در موارد متعدد با قرائت سایر قاریان نیز مخالفت دارند که برای هر یک از قاریان می‌توان موارد زیر را به عنوان نمونه ذکر کرد: مخالفت با روایت شعبه از عاصم (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱/۲۸۳؛ ۲/۲۵۳، ۲۵۸، ۳۸۲ و...)؛ مخالفت با قرائت ابن عامر (همان، ۱/۴۶۰؛ ۲/۲۵۳؛ ۳/۱۴۱، ۲۶۱ و...)؛ مخالفت با قرائت ابن کثیر (همان، ۱/۴۶۲ و ۲۸۳؛ ۲/۲۵۱، ۳۶۰ و...)؛ مخالفت با قرائت ابوعمر و بصری (همان، ۱/۲۸۳؛ ۲/۴۱۰ و ۲۵۱؛ ۳/۱۰۵ و...)؛ مخالفت با قرائت حمزه (همان، ۱/۱۷۴؛ ۲/۱۲، ۳۸۲، ۴۱۹ و...)؛ مخالفت با قرائت نافع (همان، ۲/۲۵۱؛ ۳/۱۴، ۲۵ و ۱۴۱)؛ مخالفت با قرائت کسائی (همان، ۱/۲۸۳، ۱۷۴ و ۴۶۲؛ ۲/۱۲ و...)؛ مخالفت با قرائت یعقوب (همان، ۱/۴۶۲؛ ۲/۳۱۳، ۴۱۰، ۲۸۹ و...)؛ مخالفت با قرائت ابوجعفر مدنی (همان، ۱/۳۸۲ و ۴۶۰؛ ۲/۳۰؛ ۳/۱۴۱ و...)؛ مخالفت با قرائت خلف (همان، ۲/۳۱۸، ۳۸۲، ۴۱۰، ۴۱۹ و...).

۷. مقصود از تعبیر «قراءة العامة» در کتاب فراء

برخی ادعا کرده‌اند تعبیر قراءة العامة در تمام موارد استعمالش در کتاب فراء، با قرائت کنونی مسلمانان مطابقت دارد (حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۶). آنان همچنین با اشتباهات فاحش در نقل و فهم عبارت فراء به ویژه در آیه ۲۵ سوره حج و آیه ۸۲ سوره قصص (که به تفصیل ذکر شد) انتساب قرائت امروزی به حفص را زیر سؤال برده تا بتوانند قرائت امروزی را به عنوان قرائتی رایج از صدر اسلام که به عنوان قراءة العامة شناخته می‌شد، مطرح کنند (ر.ک: حسینی و ایروانی، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۷۱)، غافل از آنکه چه قرائت امروزی را مطابق قرائت حفص بدانیم و چه ندانیم، در هر صورت قرائت امروزی در موارد متعددی که ذکر شد با قرائتی که فراء آن را قراءة العامة نامیده، مخالفت دارد. البته شکی در انتساب قرائت کنونی به حفص وجود ندارد و انکار این امر تنها به لحاظ اشتباهات فاحشی است که در نقل و استناد به عبارات فراء صورت گرفته است.

از آنجا که از یک طرف هیچ یک از این تعبیر فراء به صورت انحصاری منطبق بر قرائت حفص (و قرائت امروزی) نیست و از طرف دیگر، در موارد متعدد و فراوان با این قرائت در تضاد است، ادعای رواج این قرائت در قرن اول و دوم، سخنی نادرست و خلاف واقع است.

از طرف دیگر، ملاحظه کامل موارد استعمال تعبیر «قراءة العامة» و تعبیر مشابه آن بیانگر این حقیقت است که مقصود از این گونه تعبیر، اشاره به قرائت اکثریت قاریان مشهور (اعم از هفت نفر منتخب ابن مجاهد و دیگر قاریان) دارد؛ زیرا در اکثر موارد، این گونه تعبیر در مقابل قرائات شاذی مثل قرائت منسوب به ابن مسعود، عمر، زید بن ثابت یا قرائت قاریان غیر مشهوری مثل یحیی، حسن بصری، اعمش و ... به کار رفته است، در حالی که تمام قاریان مشهور آن را بر خلاف این قرائات شاذ و به یک صورت قرائت کرده‌اند (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰: ۱۱۶/۱، ۱۹۰، ۳۵۳، ۴۶۹؛ ۳۶/۲، ۴۹، ۷۲، ۱۵۵، ۲۱۴، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۹؛ ۵۳/۳، ۷۱، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۷۶، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۷۰، ۲۹۰ و ...).

البته در موارد قابل توجهی که در مبحث شماره ۶ اشاره شد، در مقابل قرائت هر یک از قاریان مشهور نیز این گونه تعبیر به کار رفته است، اما در همین موارد نیز قرائت سایر قاریان که اکثریت را تشکیل می‌دهند، موافق قرائتی است که قراءة العامة نامیده شده است. بر این اساس، این گونه تعبیر فراء، هیچ دلالتی بر وجود یک قرائت واحد عمومی بین مردم ندارد، بلکه صرفاً به اتفاق نظر اکثر قاریان در برخی از آیات اشاره دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان دریافت که اتکاء صرف به قرائت حفص در استنباط احکام فقهی و تفسیر آیات قرآن صحیح نیست، بلکه ضرورت دارد در کنار این قرائت، سایر قرائات قاریان نیز مورد توجه و بررسی قرار گیرد. البته ضرورت این امر به لحاظ دقیق بودن مسئله استنباط احکام فقهی و همچنین تفسیر سخن خداوند متعال می‌باشد که از ارزش و جایگاه قرآن کریم حکایت دارد؛ هرچند مسئله اختلاف قرائت به حدی نیست که تأثیر مهمی در معانی و مقاصد قرآن کریم ایجاد کند و خللی به متن قرآن کریم وارد سازد.

نتیجه

۱. از آنجا که مسئله اختلاف قرائت تنها در حدود ۲/۵٪ کلمات قرآن مطرح است و اکثر آیات قرآن کریم فاقد اختلاف قرائت می‌باشد، قرائات مختلف، تأثیر مهمی در معانی و مقاصد قرآن کریم ایجاد نمی‌کند، اما در تعداد قابل توجهی از آیات، مسئله قرائت در استنباط حکم فقهی یا تفسیر آیه تأثیرگذار است.

۲. فراء در نقل قرائت عاصم، تنها به روایت ابوبکر بن عیاش (شعبه) اعتماد داشته و در هنگام نقل قرائت عاصم بارها نام او را ذکر کرده است و هیچ‌گاه به واسطه حفص از عاصم نقل قرائت نکرده و در کتابش نیز هیچ‌گاه نامی از او نبرده است، بلکه در موارد متعددی که روایت حفص با روایت ابوبکر بن عیاش مخالفت دارد، بدون اشاره به روایت حفص، روایت ابوبکر بن عیاش را به عنوان قرائت عاصم مطرح نموده است.

۳. بررسی دقیق کتاب فراء نشان می‌دهد که وی تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن را در مورد قرائت آیات متعددی به کار برده که با قرائت حفص و قرائت امروزی سازگار نیست؛ مانند قرائت آیاتی چون ﴿بَزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ (صافات/۶)، ﴿لَخَسِيفَ بِنَا﴾ (قصص/۸۲)، ﴿الْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ﴾ (نساء/۹۴)، ﴿فَعَمِيَّتَ عَلَيْكُمْ﴾ (هود/۲۸)، ﴿فَمَكْتُ غَيْرَ بَعِيدَ﴾ (نمل/۲۲)، ﴿وَإِذَا قِيلَ انشِرْزُوا فَانْشِرْزُوا﴾ (مجادله/۱۱)، ﴿وَلْيُؤْيِدْلَنَّهُمْ﴾ (نور/۵۵)، ﴿لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلِ الْأَعْلَى﴾ (صافات/۸)، ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ﴾ (محمد/۲۶)، ﴿لَئِنْ أَجَبْتَنَا﴾ (انعام/۶۳)، ﴿لَا مَقَامَ لَكُمْ﴾ (احزاب/۱۳)، ﴿لَعْنَا كَثِيرًا﴾ (احزاب/۶۸)، ﴿فِي مَسَاكِنِهِمْ﴾ (سبا/۱۵)، ﴿هَلْ يَجَازِي﴾ (سبا/۱۷)، ﴿وَيَعْلَمُ مَا يَفْعَلُونَ﴾ (شوری/۲۵).

۴. برخی از نویسندگان انتخاب قرائت انحصاری حفص در چند مورد از سوی فراء را دلیل شهرت قرائت حفص در میان مردم دانسته‌اند! در حالی که نه تنها چنین ملازمه‌ای وجود ندارد،

بلکه اکثر این موارد به اشتباه به عنوان قرائت انحصاری حفص مطرح شده است؛ چرا که قرائت تعدادی از قاریان متقدم بر حفص نیز به همان شکل بوده است. علاوه بر آن، در بسیاری از این موارد، عبارت فراء به صورت نادرست نقل یا ترجمه شده است.

۵. برخی از معاصران با طرح گمانه‌هایی ناصواب، انتساب قرائت امروزی به حفص را زیر سؤال برده تا بتوانند قرائت امروزی را به عنوان قرائتی رایج از صدر اسلام که به عنوان «قراءة العامة» فرض شده، مطرح کنند، در حالی که باید توجه نمود که چه قرائت امروزی را مطابق قرائت حفص بدانیم و چه ندانیم، قرائت امروزی در موارد متعددی با قرائتی که فراء آن را قراءة العامة نامیده، مخالفت دارد.

۶. بررسی کامل کتاب فراء نشان می‌دهد که این گونه تعابیر اساساً قابلیت انطباق کلی با هیچ یک از قرائات را ندارند؛ چراکه علاوه بر عدم انطباق این گونه تعابیر با روایت حفص از عاصم، در موارد متعدد با قرائت سایر قاریان نیز مخالفت دارند. از طرف دیگر، ملاحظه کامل موارد استعمال تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن در کتاب فراء، بیانگر این حقیقت است که مقصود از این گونه تعابیر، اشاره به قرائت اکثر قاریان (اعم از قاریان هفت‌گانه و دیگر قاریان) بوده است؛ چرا که در اکثر قریب به اتفاق این موارد، فراء قرائتی را «قراءة العامة» نامیده که اکثر قاریان مشهور یا تمام آنان به همان شکل قرائت کرده‌اند. بر این اساس، این گونه تعابیر فراء، اساساً هیچ دلالتی بر وجود یک قرائت واحد عمومی بین مردم ندارد، بلکه صرفاً به اتفاق نظر اکثر قاریان در برخی از آیات اشاره دارد.

۷. همان طور که شیخ طوسی و مرحوم طبرسی، انتخاب و توجه صرف به یک قرائت را از منظر علما امری ناپسند معرفی کرده‌اند، در عصر حاضر نیز شایسته نیست با تصور رواج قرائت کنونی در طول تاریخ، سایر قرائات نادیده گرفته شوند و در تفسیر قرآن یا استخراج احکام فقهی مورد غفلت قرار بگیرند، بلکه ضرورت دارد در کنار قرائت کنونی، قرائت سایر قاریان نیز مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] این نوشتار در مقام نقد مقاله «پی‌جویی تحلیلی تعبیر «قراءة العامة» و تعابیر مشابه آن در تفسیر فراء» نیست؛ چرا که ادله مقاله مزبور، بر مبنای کتاب ابوعبیده ارائه شده است و این کتاب خارج از موضوع نوشتار پیش روست اما باید گفت برخی از ادعاهای آنان همچون وجود یک قرائت متمایز از قرائت قاریان برای توده‌های مردم در قرون نخست هجری، هیچ مستند صحیح و قابل اعتمادی ندارد.

[۲] لازم به ذکر است این نسخه نرم‌افزاری دارای اشتباهات متعدد در اعراب‌گذاری متن کتاب می‌باشد که به علت استفاده از این نسخه نرم‌افزاری و اعتماد به اعراب‌گذاری آن در مقاله حسینی و ایروانی، بسیاری از مطالب ارجاع داده شده اشتباه و خلاف واقع است.

[۳] ابوعلی فارسی در مورد قرائت بدون تنوین می‌گوید: «من قال: من کل زوجین اثنین کان قوله: «اثنین» مفعول الحمل، و المعنى: احمل من الأزواج إذا كانت اثنین اثنین زوجین، فالزوجان في قوله: «من کل زوجین» يراد بهما الشیاع، و ليس يراد بذلك الناقص عن الثلاثة» (ابوعلی فارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۱۳: ۳۲۷) و در صفحه بعد در مورد قرائت با تنوین می‌گوید: «و من نَوَّن فقال: «من کل زوجین اثنین» فحذف المضاف من «کل»، و نَوَّن، فالمعنى: من کل شیء و من کل زوج زوجین اثنین، فیکون انتصاب اثنین على أنه صفة لزوجین». ظاهراً منشأ اشتباه نویسندگان در فهم معکوس عبارت ابوعلی فارسی، اعراب‌گذاری نادرست عبارت وی در کتاب «مجمع البیان» می‌باشد که «من قال من کل زوجین اثنین» را با تنوین اعراب‌گذاری کرده‌اند، در حالی که قطعاً نادرست است؛ چرا که اولاً مفعول بودن «اثنین» با مضاف بودن «کل» سازگار است نه با تنوین خواندنش. ثانیاً در ادامه عبارت معنای قرائت «کل» با تنوین متفاوت بیان شده است که نشان می‌دهد مقصود ابوعلی از عبارت سابق، «کل» بدون تنوین بوده است.

کتابنامه

۱. ابن مجاهد، احمد بن موسى، السبعة فى القراءات، تحقيق شوقى ضيف، قاهره: المعارف، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۲. ابن جزرى، شمس الدين محمد بن محمد، النشر فى القراءات العشر، بيروت: الكتب العلمية، بى تا.
۳. ابن خالويه، حسين بن احمد، الحجة فى القراءات السبع، بيروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۲۱ق.
۴. ابوحیان اندلسی، محمد بن يوسف، البحر المحيط، بيروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۵. ابو عبیده، معمر بن مثنى، مجاز القرآن، قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۳۸۱ق.
۶. ابوعلی فارسی، حسن بن عبدالغفار، الحجة للقراء السبعة، دمشق: دارالمأمون للتراث، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۷. ایزدی و ذوقی، مهدی و امیر، «پی جویی قرائت عامه در کتب تفسیری سده های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، ش ۱۱، صص ۶۸-۴۹، ۱۳۹۶ش.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بيروت: ابن کثیر الیمامه، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۹. پارچه باف دولتی و دیگران، کریم، «تحلیل و بررسی تقسیم بندی های ارایه شده در قرائات قرآن کریم»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۵، ش ۲، صص ۳۸-۱۹، ۱۳۹۱ش.
۱۰. حجتی، سید محمد باقر و حامد شریفی نسب، «ارزیابی سندی روایت حفص از قرائت عاصم»، مطالعات قرائت قرآن، ش ۸، صص ۱۱۷-۱۴۲، ۱۳۹۶ش.
۱۱. حسینی، بی بی زینب و مرتضی ایروانی، «بررسی تاریخ قرائت العامة و ارتباط آن با روایت حفص از عاصم»، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱۶، صص ۱۵۹-۱۸۶، ۱۳۹۴ش.

۱۲. دمياطى، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فى القراءات الأربعة عشر، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
۱۳. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، تحقيق بجاوى، بيروت: المعرفة، ۱۳۸۲ق.
۱۴. زبيدى، محمد بن الحسن، طبقات النحويين و اللغويين، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: دارالمعارف، چاپ دوم، ۱۹۸۴م.
۱۵. شريفى نسب و ديگران، حامد، «ارزيابى ادله ديدگاه رواج تاريخى قرائت عاصم به روايت حفص»، مطالعات قرآن و حديث، ش ۲۰، صص ۳۷-۵، ۱۳۹۶ش.
۱۶. صدوق، محمد بن على، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۷. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، بيروت: العلوم، ۱۴۲۶ق.
۱۸. طوسى، محمد بن حسن، التبيان، بيروت: احياء التراث العربى، بى تا.
۱۹. عسقلانى، احمد بن على بن حجر، تهذيب التهذيب، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۴ق.
۲۰. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۲۱. فراء، ابوزكرياء يحيى بن زياد، معانى القرآن، بيروت: عالم الكتب، ۱۴۰۳ق.
۲۲. فراء، ابوزكرياء يحيى بن زياد، معانى القرآن، مصر: الهيئة المصرية، چاپ دوم، ۱۹۸۰م.
۲۳. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران: الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مسلم، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت: احياء التراث العربى، بى تا.
۲۵. معرفت، محمد هادى، التفسير و المفسرون، مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، ۱۳۸۶ش.
۲۶. معرفت، محمد هادى، علوم قرآنى، قم: موسسه فرهنگى التمهيد، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۲۷. ناصحيان، على اصغر، علوم قرآنى در مكتب اهل بيت عليهم السلام، مشهد: دانشگاه علوم رضوى، چاپ سوم، ۱۳۹۳ش.